

# زنگ ادبیات

بررسی حضور ادبیات انقلاب در کتاب های درسی  
در گفت و گو با فریدون اکبری شلدره‌ای

اشاره

کتاب های درسی در نظام آموزش و پرورش کشورمان از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردارند. دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی سال های متمادی با این کتاب ها سر و کار دارند و در واقع کتاب های درسی بخش زیادی از شخصیت علمی و اجتماعی دانش آموزان را شکل می دهند. اهمیت و حساسیت جایگاه کتاب های درسی آموزش و پرورش زمانی مضاعف می شود که به تعداد دانش آموزان کشور توجه نماییم و این که این خیل عظیم سرمایه انسانی - که با فاصله زمانی اندکی، مقدرات و مدیریت جامعه را به دست می گیرند - دست پرورده همین کتاب های درسی هستند و کیفیت آموزه های ارائه شده در این کتاب ها می تواند تأثیر مستقیم در شکوفایی این سرمایه انسانی داشته باشد. به سبب اهمیت موضوع، ضرورت عرضه ادبیات انقلاب در کتاب های درسی و کیفیت و کمیت آن را با جناب آقای فریدون اکبری شلدره ای مدیر گروه ادبیات و تألیف کتاب های درسی آموزش و پرورش پی گرفتیم. آنچه می خوانید، ویراسته مباحث مطرح در گفت و گو با ایشان است.

چگالی مفاهیم را هم از پیش در برنامه تبیین می کنیم که مثلاً در هر دوره ای به فراخور مخاطبان خود چه موضوع ها و مفاهیم را باید پیروانیم و به چه زبان و هنجاری تن دهیم، بنابراین از دید برنامه ریزی این مسیر رفتاری ما متاع های فرهنگی و علمی خودمان را بر بنیاد ظرف هایی که در اختیار داریم در کالبد آن درس ها می گنجانیم. پرداختن به انقلاب و آنچه در شعاع انقلاب اسلامی برای ما در حوزه های متفاوت و مختلف فرهنگی به ارمغان آمده است، یکی از عناصر محتوایی و موضوع هایی است که بسیار مورد توجه ما بوده و هست. به همین سبب ما یکی از سرفصل های کتاب های خودمان را به انقلاب و ادبیات انقلاب اختصاص دادیم. حال سؤال این است: «مفهوم انقلاب از دید ما چیست؟» به گمان بنده باید در این باره بیشتر سخن بگوییم. ما انقلاب و ادبیات انقلاب را به گونه ای دیگر نیز تعبیر می کنیم و از آن تحت عنوان انقلاب ادبیات یاد می کنیم. به بیان دیگر از دید ما انقلاب ادبی و ادبیات ویژه انقلاب در گستره فکر و نگرش و فرهنگ و زبان این سرزمین نوعی رستاخیز است. در واقع انقلابی که مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی در سال ۱۳۵۷ آن را به پیروزی رساندند، خاستگاهی برای تمام بسترهای فرهنگی ما بوده است و پالایشی در ذهن و زبان فکری این جامعه

جناب اکبری، همان طور که خدمت شما عرض کردیم بحث ما در مورد ادبیات انقلاب است و به دلیل مسئولیت، آشنایی، تخصص و اشرفی که حضرت عالی نسبت به نظام آموزش و پرورش ما دارید مناسب دیدیم که از این اشرف شما در این زمینه استفاده کرده و از مباحثی که شما مطرح می کنید بهره مند بشویم. ما اصطلاحی داریم که از آن تحت عنوان ادبیات انقلاب یاد می کنیم. در ابتدا اگر ممکن است مختصری در مورد این مفهوم برای ما صحبت کنید و اینکه تلقی شما از این اصطلاح چیست. بعد به سراغ مباحث اصلی می رویم. اولین سؤال این است که در کتاب های درسی آموزش و پرورش از ابتدایی گرفته تا دوره دبیرستان و یا حتی دوره های تربیت معلم آیا ما چیزی را از سنخ و جنس ادبیات انقلاب می بینیم؟

اکبری: در آغاز سپاسگزاری می کنم از شما و مجله ارزشمند «کتاب ماه ادبیات» که به قدر و ارج و گرانسنگی کتاب های درسی توجه کردید و با این دید باید اندکی فراختر و گسترده تر به فراخوانی جغرافیای فرهنگی ایران بپردازیم. در کتاب های درسی، از دوره ابتدایی تا پیش دانشگاهی و پس از آن در دوره تربیت معلم ما نظامی را سامان می دهیم و بر بنیاد آن نظام،

پدیدآورده است. پایه و اساس این رستاخیز فکری نه تنها در سطح بلکه در نهاد و جان تک‌تک ایرانیان امروز به روشنی دیده می‌شود و هر چقدر ما از ستیخ انقلاب فاصله می‌گیریم، شکوه و عظمت آن و نیز اثربخشی و میزان تأثیرگذاری آن را در سال‌های بعد بهتر می‌بینیم. یکی از اصلی‌ترین وظایف ما در سازماندهی کتاب‌های درسی، پرداختن به همین تأثیر است. این اثربخشی انقلاب را باید در آثار ادبی پی‌جویی کنیم. ما معتقدیم آثار ادبی آینه‌ای است که اشکال کمال انقلاب را به درستی می‌توان در آن دید. اما پرسش اینجاست که آیا آنچه تا به امروز در آثار ادبی عصر انقلاب ۵۷ تاکنون پدید آمده است توانسته است این اشکال فکری و بلندای فرهنگی ایران اسلامی را به یکباره به ما نشان بدهد؟ این سؤال جای بحث دارد؛ اما ما کوشیده‌ایم در کتاب‌های درسی به فراخور مخاطب و گنجایش کتاب‌ها به سراغ متن‌های خوب برویم. به همین دلیل مثلاً ما در دوره ابتدایی از تصویر، برای رساندن مفاهیم و آموزه‌های انقلاب استفاده کرده‌ایم؛ برای اینکه در پایه اول ابتدایی تصویر یکی از کارترین ابزارهای زبان آموزی ماست. یعنی در ماه‌های نخستین، هر زبان آموزی در پهنه فرهنگی و مدرسه‌ای ایران از راه سواد بصری با آموزه‌های فرهنگی و ملی آشنا می‌شود و پس از آن به فراخور درک و دریافت دانش‌آموزان که گنجینه واژگانی آنها را هم باید در نظر گرفت، از متن‌های پالوده زبانی استفاده می‌شود. این متن‌ها، متن‌هایی ساده، سخته و پرورده برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی است که پس از بررسی نمونه‌های خوب آن انتخاب می‌شود تا هم حلاوت و گیرایی و هم رسانایی پیام و معانی و مفهیمی که ما از دید محتوایی به دنبال هستیم تحقق یابد. مثلاً در پایه چهارم ابتدایی ما درسی از «شهید فهمیده» داریم و در پایه پنجم درسی با عنوان «سرزمین من» و فصلی با عنوان فصل «ملی و میهنی» داریم. مفاهیم و آموزه‌های ملی و میهنی در این فصل جای می‌گیرند. خاطره‌هایی از دوران جنگ و دفاع مقدس و دوران انقلاب که به زبان ساده بیان شده است. بنابراین ما در دوره ابتدایی از تصویر و نیز بازگویی خاطره‌ها و همین‌طور داستان‌واره‌های ساده در روان‌خوانی برای انتقال این مفاهیم استفاده می‌کنیم اما در دوره راهنمایی که در دوره‌های مدرسه‌ای و نظام تحصیلی به مقابله برزخی است و دانش‌آموزان ما برای نخستین بار رشد و شکوفایی و جوشش نوجوانی را تجربه می‌کنند ما کتاب را با فصل اسلام و انقلاب اسلامی آغاز کرده‌ایم و در فصلی دیگر با عنوان فصل شکفتن، به طور ویژه مسائل بلوغ را از نگاه یک نوجوان با تمام علایق و سلاقی او برای او بازگویی می‌کنیم. به بیانی دیگر، ناز و نیازهای گروه سنی نوجوانی را با گزینش و انتخاب متن‌های بسیار خوب از نویسندگان دیروز و امروز مطرح می‌کنیم و موضوعات و مفاهیم را به فراخور دریافت آنها در چینش و سازماندهی محتوایی تنظیم می‌کنیم؛ اما در کنار اینها فصلی است با عنوان «سرزمین من» که در این فصل از بزرگانی نظیر شهید مهدی باکری

یاد کرده‌ایم و از دستاوردها، دلوری‌ها و دلیری‌های نوجوانان ایران در دوران جنگ و دفاع مقدس و اینکه دانش‌آموزان چه نقش‌ها و کارکردهایی در دوران جنگ داشتند، نمونه‌هایی ذکر کرده‌ایم. من خیلی کوتاه به این سرفصل‌ها اشاره می‌کنم. در دوره دبیرستان هم به طور ویژه فصلی با عنوان «ادبیات پایداری» گنجانده‌ایم که در این فصل به تمام عناصر سازه‌ای فرهنگی دوره انقلاب پرداخته شده است. همچنین به فراخور گنجایش درس‌ها و کتاب‌ها در دوره پیش‌دانشگاهی نیز در کتاب ادبیات فصلی با عنوان «ادبیات معاصر» داریم. در ادبیات معاصر هم نمونه‌های بسیاری در دو حوزه شعر و نثر از شاعران و نویسندگان گوناگون مشاهده می‌شود. حال بنده از دروسی که در دوره‌های سه‌گانه ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی به موضوع انقلاب پرداخته است، بسامدی آماری ارائه می‌دهم تا چگونگی حضور این مفاهیم در کتاب‌های درسی به درستی آشکار شود.

از پایه اول تا پنجم ابتدایی ۵ کتاب درسی با عنوان «بخوانیم» و «بنویسیم» داریم. کتاب‌های «بخوانیم» مربوط به حوزه‌های خواندنی و مهارت‌های شفاهی زبان و در کنار آن «بنویسیم» مربوط به قلمرو نوشتاری و مهارت‌های مکتوب زبان است. از دید محتوایی و موضوعی، «بنویسیم» چیزی جز «بخوانیم» نیست و در واقع دنباله آن است. درس‌ها عموماً در «بخوانیم» مطرح می‌شود و به همین دلیل من روی ۵ عنوان درنگ می‌کنم. چنین موضوع‌ها و مفاهیم در «بخوانیم» انجام می‌شود و تعمیق و ژرفا بخشیدن به مهارت‌های یادگیری در «بخوانیم» اتفاق می‌افتد. عرضه مهارت و آموختن فن‌های زبانی و مهارت‌های شش‌گانه زبان مربوط به حوزه «بنویسیم» است. در این ۵ پایه، در هر سال ۲۲ درس ارائه می‌شود و مجموعاً در ۵ سال، ۱۱۰ درس را در برمی‌گیرد. بین این ۱۱۰ درس، حدود ۱۵ درس به طور ویژه به ادبیات انقلاب و موضوع انقلاب می‌پردازد که از دید محتوایی حدود ۱۴٪ است و این چیز کمی نیست. موضوع انقلاب و آنچه در حول و حاشیه و شعاع مفهوم انقلاب وجود دارد، فراتر از اینهاست. حال اگر همین میزان را به حجم و حضور سایر مطالب درسی بیفزاییم،

می‌شود. از این ۸۶

درس ۲۰ درس به موضوع انقلاب و مفاهیم مربوط به آن می‌پردازد که ۲۳ درصد کل فضاهای کتاب‌ها را شامل می‌شود و از این ۲۳ درصد ۸ درس مربوط به شعر ۱۰ درس مربوط به نثر و ۴ درس دیگر تلفیقی از شعر و نثر است که ما ناگزیر گاهی در متن‌های نثر از شعرهای مناسب موضوع هم استفاده می‌کنیم. در دوره دبیرستان هم فصلی ویژه «ادبیات پایداری» وجود دارد و مجموعاً در سه سال دبیرستان، ۱۰۰ درس به موضوع انقلاب می‌پردازد. از بین این ۱۰۰ درس تقریباً ۱۳ درس به طور مستقیم به مفهوم و موضوع انقلاب اسلامی پرداخته که در واقع چیزی نزدیک به ۱۳/۵ درصد از کل مفاهیم را در برمی‌گیرد.

در دوره پیش‌دانشگاهی هم وضع بدین‌گونه است. در این باره تقریباً ۴۹ درس داریم که از این ۴۹ درس حدود ۱۶ درصد به کل موضوع ادبیات انقلاب و شعر و نثر انقلاب پرداخته است. آنچه ذکر کردم فضای کلی حاکم بر کتاب‌های درسی از دیدگاه آماری است.

اگر مفهوم ادبیات انقلاب را به ادبیات پس از دوره انقلاب (صرفاً از نظر زمانی) اطلاق کنیم، می‌توانیم هر چیزی که به عنوان متن ادبی در این سی سال اخیر منتشر شده است را جزء ادبیات انقلاب به شمار آوریم. اما چیزی که در حال حاضر مدنظر بنده و حضرت‌تعالی است این است که منظور ما از ادبیات انقلاب به معنای خاص، آن نوع و آن سنخ ادبیاتی است که مفاهیم و بنیادهای ارزشی که منجر به پدید آمدن این انقلاب و تفکر انقلابی شد، در آن جلوه‌گر شده باشد. حال وقتی از کمیت کتاب‌های درسی‌ای که در این حوزه تألیف شده است، صحبت به میان می‌آید این کمیت و درصدها بخش کوچکی از قضیه است و بخش مهم‌تر مربوط به جنبه‌های کیفی است. مطلع هستید که همه نظریه‌پردازان علوم اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند و متفق القولند که بدترین و آسیب‌رساننده‌ترین نوع اطلاع‌رسانی و تبلیغ، تبلیغ مستقیم است و همیشه اثرگذارترین

#### حجم

وسعی را شامل

می‌شود. سالانه چیزی افزون بر

۱۵۰ میلیون جلد کتاب درسی از سوی وزارت

آموزش و پرورش، تولید می‌شود که حجم کتاب‌های درسی که مربوط به زبان و ادبیات فارسی است، افزون بر ۱۲٪ است لذا چیزی نزدیک ۲۰ میلیون کتاب درسی، مربوط به حوزه زبان و ادبیات فارسی است. ۲۰٪ از مجموع ساعات آموزشی نظام آموزش و پرورش هم ویژه کتاب‌های این حوزه و نیز آموزش زبان فارسی و مفاهیم و آموزه‌های ملی و فرهنگی است. این میزان و بسامد را ما به طور کامل در دو قالب شعر و نثر ارائه می‌دهیم؛ ولی در دوره ابتدایی به این دو قالب تصاویر هم اضافه می‌شود که مجموعاً ۳ قالب آموزشی برای انتقال مفاهیم را تشکیل می‌دهد. در سال اول دوره راهنمایی از ۲۱ درس تقریباً ۹ درس به ادبیات انقلاب می‌پردازد که حدود ۴۳ درصد از کل موضوع و مفاهیم محتوایی را در برمی‌گیرد. این مطالب در قالب‌های شرح حال، سخنرانی، خاطره و داستان (داستان‌هایی از نویسندگان امروز ویژه انقلاب و دوران دفاع مقدس) نوشته می‌شود. در دوره دوم راهنمایی کتاب جدیدی گنجانده‌ایم که امسال به طور آزمایشی تدریس می‌شود و در این ۲۱ درس حدود ۲۴ درصد مفاهیم مربوط به انقلاب است؛ حال آنکه در کتاب قبلی که هنوز در کنار کتاب جدید، رسماً در کل کشور تدریس می‌شود، فقط سه درس مربوط به موضوع انقلاب بود؛ لذا این مفهوم در کتاب درسی جدید حدود ۱۰ درصد رشد داشته است.

پس در دوره راهنمایی به طور کلی حدود ۶۳ درس داریم و اگر آن کتاب قبلی را هم که شامل ۲۲ درس است و در کنار کتاب جدید تدریس می‌شود، به این میزان بیفزاییم، در فضای آموزشی دوره راهنمایی حدود ۸۶ درس، تدریس

و پایدارترین نوع تبلیغ راجع به هر مفهومی، تبلیغ غیرمستقیم است لذا معتقدند که از مستقیم گویی باید پرهیز شود و از شیوه‌هایی غیرمستقیم استفاده گردد. حال از شما می‌خواهیم از این دید به حضور ادبیات انقلاب در کتاب‌های درسی بپردازید. در کتاب‌های درسی پیشین و نیز کتاب‌های جدیدی که در دست تدوین است و امروز به صورت آزمایشی تدریس می‌شود وضعیت چگونه است؟ پیش از اینکه به بحث درباره این موضوع بپردازید لازم می‌دانم یادآوری نمایم که وقتی از ادبیات انقلاب به طور عام بحث می‌کنیم بخشی مربوط است به ادبیات و آنچه که در جامعه نشر وجود دارد و خواننده، خود این بخش را جست‌وجو کرده و از آن استفاده می‌کند؛ ولی وقتی از حضور ادبیات انقلاب در کتاب درسی سخن به میان می‌آید، بحث شکل‌گیری شخصیت نسلی که در حال آموختن است مطرح می‌شود. پس لازم است که به وجوهی نظیر وجه آموزشی، تعلیمی، تبلیغی و ترویجی این مفاهیم نظر داشته باشیم.

**اکبری:** واقعیت این است که اگر بخواهیم رویکرد کلی خود را در کتاب تبیین نمایم باید بگویم که رویکرد حاکم بر نظام برنامه‌ریزی ما رویکرد فرهنگی و تربیتی است. به بیان دیگر دیدگاه کلان برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی بر دو کلید واژه استوار است (فرهنگی - تربیتی) و این باعث می‌شود که تمام آموزه‌های حاکم بر برنامه‌ریزی‌های آموزشی، از دل مفاهیم فرهنگ و آموزه‌های تربیتی ما برآمده باشد. این دیدگاه تمام جهت‌گیری‌های بعدی ما را در حوزه برنامه‌ریزی و سازماندهی محتوایی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین ما با تکیه بر این دیدگاه مفاهیم را طبقه‌بندی و سازماندهی می‌کنیم. وقتی از ادبیات انقلاب سخن به میان می‌آید بحث فقط مربوط به آنچه که از سال ۵۷ تاکنون در کشور ایران تولید شده، نیست بلکه ادبیات انقلاب یعنی آنچه بتواند اشکال کمال و جوهره فرهنگی و باورشناسی و تمام کلید واژه‌هایی که در حوزه انقلاب ادبی شکل پیدا کرده است را تحت‌تأثیر قرار دهد و آنها را تقویت نماید و تمام جلوه‌های پایداری و دلاوری‌ها و رشادت‌هایی را که فرزندان این مرز و بوم در دوره ۸ سال دفاع مقدس به خرج داده‌اند، نشان بدهد. حال رگه‌هایی از این نوع ادبیات را می‌توان در آثار شعری و رگه‌های دیگر را در ادبیات داستانی پی‌گیری کرد و در نمونه‌های بازگویی خاطره‌ها و تک‌نگاشت‌هایی که ویژه انقلاب و خاطرات بزرگان انقلاب و بسیجیان و دلاوران عرصه جنگ و دفاع مقدس است، جست‌وجو نمود بنابراین ما حتی در حوزه واژگانی هم وقتی می‌گوییم ادبیات انقلاب، معتقدیم ادبیات انقلاب بستری فرهنگی تولید نموده و فضایی ایجاد کرده است که واژگانش با یکدیگر متفاوتند یعنی ما برای اول بار در دوره انقلاب واژه‌هایی می‌بینیم که پیش از آن پیشینه‌ای نداشته‌اند؛ واژه‌هایی مثل ایثار، شهادت و ادبیات عاشورایی، همه برآمده از این فضا هستند و هر کدام از این

واژگان مفاهیم را هم سامان داده‌اند. یکی از کارترین جنبه‌ها و جلوه‌های انقلاب اسلامی بُعد فرهنگی آن است. به همین دلیل در بُعد فرهنگی به یکباره می‌توان نمونه‌های بسیاری از آن رستاخیز را که در آغاز بنده به آن اشاره کردم، نشان داد.

در بستر واژگانی هم واژه‌هایی مثل استقلال و آزادی، واژگانی است که در گستره ادبی و فرهنگی ما بی‌پیشینه است. در این دوره اینها در زبان و ذهن جامعه و در ذهن فرهنگ‌مداران این کشور و نویسندگان حضور پیدا می‌کنند و هاله‌ای از مفاهیم و معانی را هم با خودشان می‌آورند که این معانی و مفاهیم و واژگان نوظهور حکایت از رنگ فرهنگی عصر خودشان دارند یعنی به بیانی روشن‌تر این واژگان فرزندان فرهنگی انقلاب هستند. در کتاب‌های درسی به طور طبیعی از طریق گزینش مفاهیم و واژگان کلیدی این حوزه این روحی که در ادبیات انقلاب دمیده شد را به کمک این آموزه‌ها و متن‌ها باید به کتاب‌های درسی وارد کنیم و در آموزش نیز به کار بندیم اما شیوه‌ای که در سازمان تدوین کتب درسی بر آن بیشتر تأکید می‌شود، بهره‌گیری از شیوه‌های غیرمستقیم برای انتقال بسیاری از مفاهیم و آموزه‌های دینی، فرهنگی، ادبی و ملی است. کارترین و مناسب‌ترین کالبد برای این شیوه، بهره‌گیری از ساختار داستانی است، به همین خاطر در کتاب‌های جدید بخشی ویژه ادبیات داستانی گنجانده شده و برای اولین بار ادبیات داستانی انقلاب به صورت بسیار پررنگ در کتاب‌ها حضور پیدا کرده است، با این هدف که بتوانیم بسیاری از آموزه‌های خودمان را به زبان روایت و داستان و به صورت غیرمستقیم در آموزش به کار بندیم؛ ضمن این که بی‌گمان اثرگذاری این شیوه، قابل سنجش با شیوه مستقیم گویی نیست. همچنین برای انتقال مفاهیم دوران دفاع مقدس و نیز اهداف عصر انقلاب و حوادثی که در دوره انقلاب رخ داده است از قالب داستان بهره گرفته‌ایم و توانسته‌ایم به کمک این کالبد و قالب این مسائل را به تصویر بکشیم. در حقیقت دو شیوه سازماندهی بر بنیاد دیدگاه کلان، روش‌های سازماندهی محتوایی و به تبع آن روش‌های آموزشی به کمک شیوه غیرمستقیم تدوین و تبیین شده است. مثلاً در کتاب دوره راهنمایی درسی گنجانده‌ایم با عنوان «ادبیات انقلاب». در این درس آن دگرذیسی و تحول که در ذهن و زبان جامعه در حوزه انقلاب پدید آمده و در آثار ادبی نمود پیدا کرده است مطرح شده و نمونه‌ها و مصادیقش ذکر شده است و به طور کلی مظاهر مقاومت و پایداری و ایستادگی در خاطره نگاشته‌های آزادگان در این کتاب راه پیدا کرده است؛ مثلاً یکی از درس‌های ما به موضوع آزادگان و شوقی که این افراد حتی در دوره اسارت برای آموزش داشتند می‌پردازد. یا مثلاً شرح حال سرداران دوران دفاع مقدس و نیز حوادث و ماجراهایی که در جبهه‌ها برای آنان رخ داده است در قالب داستان مطرح شده است. برای نمونه از شهید باکری، شهید بابایی، شهید شیروودی و بسیاری از این فرماندهان بزرگ

تغییر نظام سیاسی ایران در سال ۱۳۵۷ گردید، مفاهیمی چون ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، مبانی اخلاق مذهبی و دینی ... است که مفاهیمی دینی و قرآنی هستند. حال، اگر ما دایره مفهوم «ادبیات انقلاب» را وسیع‌تر بگیریم و آن را به متن‌هایی که مستقیماً به جنگ و مبارزه و حبس و شکنجه و مفاهیمی از این قبیل پرداخته منحصر نکنیم و متونی را که مبلغ و منادی و مروج ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و اصلاح‌گری و ضدسرمایه‌داری و ... هستند یا ارزش‌های دینی و انسانی و اخلاق مذهبی را تبلیغ می‌کند، جزو ادبیات انقلاب به شمار آوریم؛ به نظر شما کمیت و کیفیت آن نوع از ادبیات که این مفاهیم در آن جلوه‌گر است و قطعاً در کتاب‌های درسی نیز وجود دارد، به چه صورت است؟

اکبری: نکته بسیار مهمی را مطرح فرمودید. واقعیت این است که روح هر زبان و فرهنگی، آبخورها و جوهرهایی دارد. آبخورهای اصلی و زایا و اثرگذار زبان و فکر و فرهنگ ایرانی، دو چشمه زایا هستند که عبارتند از: ۱. آموزه‌های دینی - باورشناختی چشمه زایا و پیوسته جوشان بنمایه‌های ملی - فرهنگی.

حقیقت این است که انقلاب اسلامی ما یک خیزش آنی و بی‌پیشینه نبوده است و به عقیده من انقلاب اسلامی ایران نوعی رستاخیز است. در حقیقت ادبیات انقلاب ما، انقلاب ادبیات است و این بدان معناست که انقلاب ایران در بین رویدادهای دوران معاصر مثل «شعر» است و همچنان که شعر دارای جوهره است، انقلاب نیز دارای جوهره است. جوهر شعر هنجارگریزی و شکست هنجارهای طبیعی زبان است و انقلاب ما هم در عصر و دوره خود هم هنجارگریزی باورشناختی داشته و هم هنجارگریزی ذهنی و زبانی را در پی آورده است و تمام جغرافیای فکری و فرهنگی این جامعه را دستخوش تغییر کرده است و این مسأله سبب شده است که این پهنه و سرزمین زایشی دوباره

دوره دفاع مقدس در قالب داستان‌هایی که برای بچه‌ها گیرایی و جاذبه داشته باشد، مطالبی در کتاب آورده‌ایم. البته پیداست که باید در کنار همه این مسائلی که به آنها اشاره شد به مفاهیم و آموزه‌های انقلاب توجه شود و باید سهم چگالی مفاهیم را به‌گونه‌ای تبیین نماییم که از این راه آسیبی به آموزه‌های انقلابی نرسد. این مسائل از ظرافت‌های برنامه‌ریزی است که برنامه‌ریزان باید بدان توجه نمایند بنابراین، پرداختن به نمونه‌های ایثار، مقاومت، شجاعت و دلاوری، همه مصادیق و مفاهیمی است که در حوزه ادبیات انقلاب باید بدانها پرداخته شود.

نکته دیگری که به ذهن بنده رسیده این است که همچنان که شما اشاره نمودید عمده و مهمترین بخش انقلاب اسلامی جنبه فرهنگی آن است. قطعاً این

انقلاب یکدفعه به‌وجود نیامده است. انقلاب اسلامی پدیده‌ای بود که ظاهر و پوسته‌اش تحول

نظام سیاسی است. این دگرگونی و تحول بزرگ اجتماعی، مبتنی بر ارزش‌ها و تفکرات و اندیشه‌هایی بود که منجر به وقوع انقلاب گردید، لذا این دگرگونی یکباره نمی‌توانست اتفاق بیفتد. حال از این مقوله‌های ارزشی و مفهومی که شما فرمودید و شامل مواردی نظیر

دفاع و شجاعت و ایثار است قطعاً بخشی مربوط به پدیده جنگ و دفاع مقدس است که بعد از انقلاب اتفاق افتاد. واقعیت این است که تفکراتی که منجر به وقوع انقلاب گردید، مسائلی است که پیش از آن در ذهن متفکران و اهل اندیشه جامعه ایرانی وجود داشته اما قطعاً جنس آن مبانی اندیشه‌ای که پیش از این تحول نظام سیاسی در ذهن اندیشمندان وجود داشته با آنچه بعد از استقرار نظام سیاسی جدید به وجود آمد، متفاوت است. مثلاً نمونه‌هایی از این مبانی اندیشه‌ای که پیش از انقلاب وجود داشته و منجر به

داشته باشد. درست است که در فرهنگ دیرینه اسلامی ما واژگانی نظیر دادخواهی، ستم‌ستیزی، آزادی و آزادی‌ایثار و مقاومت وجود داشته است اما آنچنان گرد و غبار روزگار بر سر اینها نشسته بود که بیم آن بود که از یاد بروند. با پیروزی انقلاب اینها به یکباره اوج گرفتند و این رمز توفیق انقلاب است؛ انقلابی فکری و فرهنگی است، بنابراین گستردگی و مبنای چنین انقلابی به فراخانی فکر انسان است. اگر ما مصادیق انقلاب را فقط در جنگ محدود کنیم به خطا رفته‌ایم. جنگ در حقیقت یکی از بنیادهای تبلور روح انقلابی ایران بوده است یعنی بستری بوده است برای رشد و شکوفایی بسیاری از آموزه‌های نهفته و استعدادها پنهان جوانان این سرزمین و ما در کتاب‌های درسی سعی کرده‌ایم این پهنا را ببینیم. به همین سبب در کتاب‌های دوره راهنمایی درسی با عنوان «آزادی و آزادی» گنجانده شده است که از مفاهیم اصلی انقلاب اسلامی است. در این دوره درس دیگری هست با عنوان «اسوه مقاومت و ایثار» که موضوع آن معرفی یکی از فرماندهان دوران دفاع مقدس است اما باز نمود تمام این آبشخورهای فکری و فرهنگی مربوط به موضوع ایثار، مقاومت، رشادت و شجاعت است که به گستردگی در متن مشاهده می‌شود و یا درسی است با عنوان «از سد کرخه تا سد کرخه» که میان آن حال و هوا و شور عاشورایی دوران دفاع مقدس با شکوفایی علمی بچه‌های دوران جنگ پس از دوران سازندگی ارتباط برقرار می‌کند. یعنی اگر روزی سد کرخه در برابر نیروهای دشمن سد ایثار و مقاومت و از خودگذشتگی جوانان ما بود، امروز خود سد کرخه با شکوه و عظمتش یکی از نمادهای علمی و بالندگی روح جوانان ایران است که در دوران دفاع مقدس به آن صورت تبلور پیدا کرده و در عصر سازندگی نمودی از بلوغ فکر و فرهنگ امروز است. بنابراین اینها زوایای متفاوت انقلاب را در کتاب‌های درسی به زبان‌های مختلف گاهی به زبان شعر و گاهی به زبان داستان بیان می‌کند و عموماً هم با شیوه غیرمستقیم یعنی بهره‌گیری از کالبد داستان این مسائل را به نمایش می‌گذارد.

**به عقیده من اگر دایره ادبیات انقلاب را فراخ تر بگیریم و مفاهیم پرشمرده شده را نیز لحاظ کنیم، شاید این آمار و درصدهایی که شما فرمودید چندین برابر گردد.**

**اکبری:** من گمان می‌کنم اگر گستره نگاهمان را به فراخور فرهنگ ایرانی بگسترانیم از قلمرو انقلاب اسلامی خارج می‌شویم و به جغرافیای بیکران فرهنگ ایرانی می‌رسیم زیرا همچنان که عرض کردم فرهنگ اصیل ایرانی همه این مفاهیم را در خود دارد و به قول فردوسی:

به فرهنگ باشد روان تندرست

گهر بی‌هنر زار و خوار است و سست

این گوهر ایرانی و شجره طیبه و روحی که در این کالبد و پیکره است با آن مفاهیم اصلی در فراز و فرود تاریخی در تمام رویدادها و حوادث

پیوسته حفظ شده است اما روی بسیاری از آداب و هنجارهای اخلاقی و باورشناختی‌ای که ما داشته‌ایم و ستم‌ها و ناروایی‌هایی که در این درازنای تاریخ متحمل شده‌ایم، زنگار تاریخی روزگار نشسته است و گاهی نیز این حرارت به فراموشی سپرده شده است. اما عظمت این انقلاب در این است که این رستاخیز را ایجاد کرده است. رستاخیز به مفهوم خیزش مردگان است. این روح ایرانی که ریشه در باورهای دینی داشت و بیم آن بود که دلمرده گردد، با انقلاب زندگی دوباره یافت.

نکته دیگر اینکه همان‌طور که اشاره کردم بعد از انقلاب به یکباره واژه‌هایی در ادبیات حضور پیدا می‌کند. این واژه‌ها هاله معنایی و مفهومی گستردگی را در بر دارند که در فرهنگ کشور و در بستر جامعه ما ایجاد شده است و تأثیر آن در آثار نویسندگان مشاهده می‌گردد. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های نویسندگان عصر انقلاب تقوای قلم آنهاست. اگر به ادبیات داستانی پیش و پس از انقلاب توجه کنید متوجه می‌شوید که یکی از وجوه تمایز آنها همین تقوای قلم است. پس از انقلاب واژگان کاملاً سخته و سنجیده هستند و ریشه در باورهای فرهنگی ما دارند اما در متون گذشته ما با پریشیدگی زبان و سختگی مواجه هستیم. این پارسا قلمی ویژه دوره پس از انقلاب است به ویژه اگر آثار یک دهه پس از انقلاب را بررسی کنید این تقوای قلم روشن‌تر خواهد شد، زیرا تأثیرگذاری آموزه‌های انقلابی بیشتر می‌شود و هر چقدر ما از آن زمان فاصله می‌گیریم این مسائل فرهنگی بیشتر نیاز به ترویج و استمرار و تداوم دارند تا در تمام بسترهای ذهنی جامعه جای‌گیر شوند.

**در پایان اگر نکته خاصی که ناگفته مانده، مدنظرتان است بفرمایید.**

**اکبری:** من در پایان بار دیگر به اهمیت کتاب‌های درسی و جایگاه آنها در ذهنیت جمعی جامعه و اثربخشی آنها در ذهن نسل‌ها تأکید می‌کنم. کتاب درسی با تمام حساسیت‌ها و ویژگی‌ها و ارج و اهمیتی که دارد، باید به سمت و سوی نشر افکار انقلابی کشیده شود و آموزه‌های فرهنگی و ملی و باورشناختی و ارزشی انقلاب را منعکس کند و اگر چنین شود بی‌گمان در جهان امروز توفیق ما بیشتر از این خواهد بود. تمدن امروز غرب در حقیقت پوسته‌ای بی‌روح است. مبنای‌ای که باید در این پوسته دمیده شود، همین آبشخورهای زبانی فرهنگی - انقلابی ماست و ما باید از این ظرفیت‌ها بیشتر استفاده کنیم. البته لازم است تمامی دانشگاهیان، استادان، فرهنگ‌مداران و فرهنگ‌اندیشان این سرزمین برای پروده‌تر شدن کتاب‌های درسی پیش‌قدم شوند و کمک کنند تا بتوانیم کتاب‌های ملی به بلندی قامت شکوهمند فرهنگ این سرزمین داشته باشیم و فرزندان خودمان را هم برای فردایی بهتر از امروز به بایستگی بپرورانیم. مثل همیشه پایان سخن را می‌پیوندم به این بیت مولانا که:

این همه گفتیم لیک اندر بسیج بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ